

هند با کوله‌باری از تجربیات پنجاه سال دموکراسی پارلمانی، می‌تواند دستکم در برخی زمینه‌ها الگوی مناسبی برای مردمسالاری در بسیاری از کشورها باشد. برای نمونه، شهروندان هند با وجود تنوع نژادی، قومی، دینی، فکری و فرهنگی، در پرتو احترام به آرا و عقاید یکدیگر توانسته‌اند به نقطه‌ای از ثبات سیاسی برسند که پروفیسور عبدالکلام را از میان اقلیت مسلمان به ریاست جمهوری برگزینند و دکتر من‌موهان سینگ را از میان اقلیت سیک به نخست‌وزیری برسانند. اکنون نژادها و مذاهب گوناگون هندی در کنار هم با تساهل و تسامح زندگی می‌کنند و دولت نیز با احترام بسیار و آرامش به صداهای گوناگون و مخالف گوش می‌دهد.

شاید یکی از علتهای اساسی پیشرفت‌های اقتصادی هند در دهه ۱۹۹۰ که به‌واقع سبب جهش اقتصادی این کشور از اقتصاد نیمه سوسیالیستی به اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد شد نیز همین ثبات سیاسی و طی شدن مراحل توسعه سیاسی در دوره‌های پیش از این دهه بوده باشد زیرا توسعه سیاسی و اقتصادی لازم و ملزوم یکدیگرند و بی‌داشتن یکی نمی‌توان به دیگری دست یافت. در این مقاله به گونه فشرده به بررسی روند دموکراسی در هند و کارکردهای آن پرداخته شده است.

## ۱- طرح موضوع:

گروهی از اندیشمندان سیاسی بر این باورند که در بررسی نظام‌های سیاسی جهان، یکی از کارهای اساسی، بررسی «ساختار سیستم» و «کارکرد»‌های آن است. گفتنی است که ساختارهای سیاسی مشابه ممکن است در نظام‌های سیاسی گوناگون کارکردهای همسان و گاه ناهمسان متناقضی داشته باشد. از سوی دیگر، یک نظام سیاسی در یک برهه زمانی مشخص، دارای مجموعه‌ای از کارکردها است که بررسی همه آنها نیازمند بررسی‌های متعدد است. گذشته از آن، ممکن است برخی جوامع ساختارهای دموکراتیک را با ویژگی‌های تمدنی و فرهنگی خود هم‌سخوان سازند. این امر، هم در

از مهم‌ترین انگیزه‌های نگارش این مقاله، این انگاره بوده است که برخی کشورها در زمینه سیاست و حکومت و در راه رسیدن به ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تجربیات ارزشمندی دارند که در گذر زمان و با ایجاد ساختارهای مناسب به آن دست یافته‌اند و نادیده گرفتن آنها سبب می‌شود که ما ناگزیر شویم برای رسیدن به توسعه سیاسی و اقتصادی همان مسیر طولانی را بپیماییم؛ در حالی که راهی میان‌بر نیز وجود دارد و آن آشنایی با تجربیات این گونه کشورها است (که به لحاظ فرهنگی نیز نزدیکی زیادی با کشورمان دارند) تا بتوان تا جایی که امکان‌پذیر است از تجربیات آنها به خوبی بهره برد و از به هدر رفتن زمان و صرف شدن هزینه‌های گزاف جلوگیری کرد.

یکی از دغدغه‌های اصلی کشور ما در شرایط کنونی (بویژه پس از ناکامی یا ناتمام ماندن برنامه اصلاحات در هشت سال اخیر، بی‌گیری روند توسعه سیاسی و راه‌های رسیدن به آن است. با بررسی سیاست و حکومت در کشورمان در ۲۵ سال گذشته، این نتیجه منطقی به دست می‌آید که ما ایرانیان در بسیاری موارد تلاش کرده‌ایم بیشتر با پشتوانه توانایی‌های داخلی و بی‌بهره‌گیری از تجربیات دیگر کشورها به حل مشکلات و معضلات سیاسی و اقتصادی خود بپردازیم؛ در جهان به هم وابسته و پیوسته کنونی هیچ کشوری نمی‌تواند تنها یا پشتوانه توانایی‌های داخلی خود و بی‌توجه به جهان خارج، راه پیشرفت و توسعه سیاسی و اقتصادی را بپیماید.

یکی از کشورهایی که در زمینه برپا کردن و به کارگیری ساختارهای دموکراتیک از جمله انتخابات آزاد، رقابت به نسبت سالم نامزدها در انتخابات سراسری و ایالتی، دموکراسی پارلمانی، مطبوعات و رسانه‌های گروهی آزاد و مردم‌پسند و پرشماری، تحمل آرا و نظرات دیگران حتی مخالفان و... به توفیقات چشمگیری دست یافته، جمهوری هند است که امروزه بعنوان بزرگترین دموکراسی جهان شناخته می‌شود.

# هند؛ الگوی موفق دموکراسی در جنوب آسیا

حسن رضایی  
دانشگاه پونا هند

بازدهی کار کردهای نظام سیاسی نقشی بسزادر دو هم در جلب رضایت افکار عمومی آن جامعه کارساز است.

در بررسی نظام سیاسی هند، این نکته کلیدی به چشم می خورد که دومین کشور پهناور و در عین حال دومین کشور پر جمعیت جهان، که مردمانی با مذاهب، نژادها، فرهنگها، زبانها و حتی تمدنهای گوناگون را در بر گرفته است، بزرگترین دموکراسی جهان نیز شناخته می شود. شاید هر نظام سیاسی دیگری جز نظام پارلمانی که در آن آرای شهروندان و احزاب سیاسی حرف نخست را می زنند، در کار می بود، هند نمی توانست شاهد چنین توسعه سیاسی و اقتصادی باشد.

این دموکراسی يك شبهه برپا نشده بلکه دارای پیشینه و کارکرد ۵۲ ساله است. تحقق دموکراسی در يك کشور نیازمند ایجاد ساختارهای دموکراتیک از جمله پارلمان، نظام حزبی، مطبوعات و رسانه های گروهی آزاد، است. پیروزی دور از انتظار حزب کنگره در انتخابات سیزدهمین لوک سابا و روی کار آمدن دولت تازه به رهبری این حزب، در اثبات این نکته که هند بزرگترین دموکراسی جهان است، نقشی چشمگیر دارد. بنابراین، باید بررسی کرد که این دموکراسی چه راهی پیموده است تا هند در آستانه سده ۲۱ به این نقطه از ثبات سیاسی برسد؟

## ۲- آشنایی عمومی با هند:

کشور پهناور هند در جنوب قاره آسیا واقع است. به این کشور در زبان انگلیسی «ایندیا» و در زبان سانسکریت «بهارات ورشا» گفته می شود. هند شبه جزیره ای مثلث گونه است که قاعده آن در شمال به کوه های هیمالیا، ضلع خاوری آن به خلیج بنگال و ضلع باختری آن به دریای عمان و رأس آن در جنوب به اقیانوس هند می رسد. این کشور از شمال باختری به پاکستان، از شمال به چین، بوتان، نپال و تبت، از خاور به میانمار (برمه سابق) و از جنوب و جنوب باختری به اقیانوس هند منتهی می شود.

بر پایه سرشماری در سال ۲۰۰۱ میلادی،

جمعیت این کشور به يك میلیارد و بیست و هفت میلیون نفر می رسد. هر چند هندی زبان رسمی هندوستان است و با خط دیوانگیری نگاشته می شود و ۳۰ درصد مردمان هند با آن سخن می گویند، ولی در قانون اساسی این کشور، ۱۶ زبان دیگر از جمله آسامی، بنگالی، گجراتی، کاناراتی، کشمیری، کوکائی، مالایالم، مانی پوری، نیالی، اوریا، پنجابی، سانسکریت، سنندی، تامیل، تلگو و اردو نیز به رسمیت شناخته شده است.

هند در سال ۱۹۴۷ میلادی استقلال یافت. هند از ۲۸ ایالت و ۷ منطقه متحد یا فرمانداری کل تشکیل می شود. در سال ۲۰۰۰ میلادی ۳ ایالت تازه به نامهای اوتار انچال پرادش، جار کندو چاتیسگر نیز تأسیس شد و بدین ترتیب شمار ایالت های این کشور به ۳۱ ایالت رسید.

از نظر گستردگی، بزرگترین ایالت هند، مادیا پرادش و کوچکترین ایالت، گوآ است. اوتار پرادش با بیش از ۱۴۰ میلیون نفر و سیکیم با نزدیک به ۵۰۰ هزار نفر، به ترتیب پر جمعیت ترین و کم جمعیت ترین ایالت های هند هستند.

## ۳- ساختار سیاسی هند:

حکومت هند جمهوری و نظام سیاسی آن پارلمانی است. بالاترین مقام رسمی کشور رئیس جمهوری و بالاترین مقام در هر ایالت فرماندار است که از سوی رئیس جمهوری گمارده می شود و در واقع نماینده رئیس جمهوری به شمار می آید. در هر ایالت، سروریزر، بالاترین مقام اجرایی است که ریاست کابینه ایالتی را دارد و نقش نخست وزیر را در ایالت بازی می کند.

قوه مقننه هند، دربرگیرنده دو مجلس با عنوان «لوک سابا» (مجلس عوام) و «راجیا سابا» (مجلس سنا) است. نمایندگان مجلس عوام را شهروندان با رأی مستقیم برمی گزینند، در حالی که نمایندگان راجیا سابا از سوی نمایندگان مجالس ایالتی برای ۴ سال انتخاب می شوند. راجیا سابا ۲۵۰ نماینده دارد که ۱۲ تن را رئیس جمهوری برمی گزیند و ۲۳۸ نفر دیگر را نمایندگان مجالس ایالتی. نمایندگان این مجلس می بایست در زمینه ادبیات،

● هند با کوله باری از تجربیات پنجاه سال دموکراسی پارلمانی، می تواند دستکم در برخی زمینه ها الگوی مناسبی برای مردمسالاری در بسیاری از کشورها باشد. برای نمونه، شهروندان هند با وجود تنوع نژادی، قومی، دینی، فکری و فرهنگی، در پرتو احترام به آرا و عقاید یکدیگر توانسته اند به نقطه ای از ثبات سیاسی برسند که پروفیسور عبدالکلام را از میان اقلیت مسلمان به ریاست جمهوری برگزینند و دکتر من موهان سینگر از میان اقلیت سیک به نخست وزیر برسانند.

علوم، هنر و موضوعهای اجتماعی متخصص باشند. همچنین ریاست جلسات این مجلس با معاون رئیس جمهوری است.

لوك ساپا ۵۴۵ نماینده دارد که ۵۳۰ تن بارای مستقیم شهروندان از ۳۱ ایالت برگزیده می‌شوند؛ ۱۳ تن از ۷ فرمانداری کل انتخاب می‌شوند؛ ۲ نفر را نیز رئیس جمهوری منصوب می‌کند تا جامعه انگلیسهای هندی تبار را نمایندگی کنند.

در نظام سیاسی هند، نخست‌وزیر بالاترین مقام اجرایی کشور است و ریاست کابینه وزیران یا دولت مرکزی را بر عهده دارد.

یکی از ویژگیهای بی‌همتای جامعه هند، زندگی کردن مردمان با عقاید و مذاهب و زبانهای گوناگون در کنار هم و با صلح و آرامش است. هرچند این وضع علت‌های گوناگون دارد، ولی شاید چارچوب قانونی یکی از مهمترین علتها باشد؛ زیرا در قانون اساسی که در سال ۱۹۴۹ تصویب شده و از ۲۶ ژانویه ۱۹۵۰ به اجرا درآمده است، هیچ مذهبی بعنوان مذهب رسمی کشور شناخته نشده است. نزدیک به ۸۰ درصد هندیان پیرو آیین هندو هستند؛ ۱۲ تا ۱۵ درصد نیز مسلمانند که بزرگترین اقلیت مذهبی هند را تشکیل می‌دهند. از دیگر ادیان و مذاهب بزرگ در هند می‌توان از مسیحیت، بودایی، سیک، جین و زردشتی یاد کرد.

## ۶- نظام انتخاباتی:

یکی از شاخصه‌های بنیادین دموکراسی، برگزاری انتخابات آزاد است که همچون خون در رگهای یک نظام دموکراتیک به‌شمار می‌آید. این خون هرچه سالم‌تر و از پلشتی و آلودگی دورتر باشد، بی‌گمان در سلامت نظام سیاسی مؤثرتر خواهد بود.

نخستین انتخابات سراسری هند در ۱۹۵۲ و آخرین آنها در ۲۰۰۴ میلادی برگزار شد. هند تنها کشوری بود که از آغاز حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را برای همه شهروندان به رسمیت شناخت. هند تاکنون ۱۳ بار انتخابات سراسری برای لوك ساپا داشته و این، جدا از انتخابات محلی است که در ایالتها برگزار شده است.

از ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۷ تنها به مدت ۲ سال وقفه‌ای در روند دموکراسی ایجاد شد و علت آن، اعلام حالت فوق‌العاده از سوی ایندیرا گاندی نخست‌وزیر وقت هند بود؛ اما با فروکش کردن آتش دشمنی‌ها و درگیری‌های قومی، بار دیگر دموکراسی به پوییش خود ادامه داد.

نکنه چشمگیری که موجب مباحثات دموکراسی هند است، این است که در سراسر دوران پس از استقلال، میانگین شرکت کنندگان در انتخابات بیش از ۶۰ درصد بوده که بالاتر از ارقام مربوط به دموکراسی‌های غربی است. همچنین، گفتنی است که برخلاف غرب، طبقات پایین جامعه همواره بیش از طبقات بالا و میانی در انتخابات شرکت کرده‌اند، و این، نشان دهنده اعتقاد پابرجای آنها به اثر گذار بودن حضورشان در صحنه است.

## ۵- تحزب در هند:

یکی از معیارهای اساسی سنجش میزان دموکراسی در یک کشور آزاد و مستقل، میزان حضور مردمان در پای صندوقهای رأی و مشارکت آنان در تعیین سرنوشت خود از راه شرکت در انتخابات سراسری و محلی است.

بیشتر گفته شد که نظام سیاسی هند، دموکراسی پارلمانی است. در این گونه نظامها، نمایندگان در پارلمان را که به بیانی دیگر نمایندگان احزاب سیاسی کشور نیز هستند، شهروندان برمی‌گزینند و پارلمان که دربرگیرنده نمایندگان احزاب سیاسی است نخست‌وزیر و به سخن دیگر، دولت آینده را تعیین می‌کند.

بنابراین در نظامهای پارلمانی حزب و تشکیلات حزبی و مهمتر از آن برنامه‌های احزاب گوناگون برای اداره کشور حرف نخست را می‌زند و حزبی که بتواند در انتخابات ایالتی یا سراسری بیشتر کرسیهای پارلمان را به دست آورد، دولت آینده را در سطح ایالت یا کشور تشکیل می‌دهد و قوه مجریه را در اختیار می‌گیرد.

فعالتهای حزبی در هند به پیش از استقلال کشور بازمی‌گردد. برای نمونه، حزب کنگره در سال ۱۸۸۵ برپا شد. هرچند بنیانگذار حزب

● دومین کشور پهناور و در عین حال دومین کشور پر جمعیت جهان، که مردمانی با مذاهب، نژادها، فرهنگها، زبانها و حتی تمدنهای گوناگون را در بر گرفته است، بزرگترین دموکراسی جهان نیز شناخته می‌شود. شاید هر نظام سیاسی دیگری جز نظام پارلمانی که در آن آرای شهروندان و احزاب سیاسی حرف نخست را می‌زنند، در کار می‌بود، هند نمی‌توانست شاهد چنین توسعه سیاسی و اقتصادی باشد.

کنگره يك انگلیسی به نام آلن (در دوران استعمار و فرمانروایی کمپانی هند شرقی) بود، ولی این حزب بعدها با تغییر دادن راهبرد خود، بعنوان يك حزب ضد استعماری توانست نقش ممتازی در استقلال هند بازی کند. درباره اهمیت این حزب در دوران پیش از استقلال همین بس که در دوران مبارزات منفی گاندی با استعمار انگلیس، نقشی تعیین کننده در راهی کشور از سلطه استعمار بریتانیا بازی کرده است.

اما نقش اصلی حزب کنگره، پس از استقلال هند آغاز شد. این حزب تا ۴ دهه پس از استقلال هند یگانه حزبی بود که حکومت را در دست داشت و از ۱۹۴۷ تا ۱۹۷۷ یعنی به مدت ۳۰ سال تنها حزب مسلط در صحنه سیاسی هند، به شمار می رفت؛ بویژه تا سال ۱۹۶۷ در نزد افکار عمومی آن کشور بسیار محبوب بود. برای نمونه، از ۱۹۴۷ یعنی سال استقلال هند تا ۱۹۶۷ یعنی به مدت ۲۰ سال، حزب کنگره در همه انتخابات سراسری، بیش از ۷۳ درصد کرسیهای لوک سابا را به خود اختصاص می داد.

گفتنی است که تا سال ۱۹۶۷ حزب کنگره نه تنها در سطح کشوری حزب مسلط در صحنه سیاسی به شمار می رفت بلکه، در سطح ایالتها نیز این حزب جز در دو ایالت در همه ایالتها، دولتهای ایالتی را به تنهایی تشکیل می داد و در آن دو ایالت ناگزیر از ائتلاف با دیگر احزاب شده بود.

نکته شایان توجه دیگر اینکه، میزان محبوبیت حزب کنگره تا سال ۱۹۶۷ به اندازه ای بود که همیشه در انتخابات محلی بیش از ۶۰ درصد کرسیهای مجالس ایالتی را به خود اختصاص می داد.

مهمترین علل پیروزی حزب کنگره در انتخابات سراسری و محلی برگزیده شده در این دوره ۲۰ ساله را می توان به گونه فشرده چنین برشمرد:

۱- محبوبیت رهبران بلندیایه این حزب مانند گاندی و نهرو در میان توده های مردم و نقشی که آنان در استقلال یافتن هند بازی کردند؛

۲- در پیش گرفتن سیاستهای عاری از تعصب مذهبی و مردم پسند در سطح داخلی؛

۳- عملکرد مثبت و حکومت داری خوب؛

۴- سازماندهی سنجیده حزب در سراسر هند به گونه ای که این حزب حتی در سطح روستاها نیز با سران روستاها که به منزله پشتوانه آراء حزب به شمار می آمدند، ارتباط نزدیک برقرار کرده بود.

احزاب سیاسی هند را می توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱- احزاب ملی ۲- احزاب منطقه ای. احزاب ملی به احزابی گفته می شود که مانند حزب کنگره، حزب بهاراتیا جاناتا، حزب کمونیست هند و... در سطح کشور فعالیت دارند و فعالیشان به منطقه یا ایالت خاصی محدود نمی شود. برعکس، احزاب منطقه ای به احزابی گفته می شود که حوزه فعالیت آنها منحصر به يك ایالت یا منطقه است، مانند حزب تلگو دیسام که تنها در ایالت آندرا پرادش فعالیت دارد.

چنان که پیشتر گفته شد، در نخستین سالها پس از استقلال هند، به علت نوب بودن احزاب سیاسی و نداشتن تجربه حکومت، تا نزدیک به سه دهه حزب کنگره حرف نخست را در صحنه سیاسی هند می زد ولی آرام آرام، چه احزاب ملی و چه احزاب محلی، بویژه احزاب منطقه ای در ایالتهای مهم رشدی چشمگیر یافتند.

## ۶- دموکراسی هند در تئوری و عمل:

قانون اساسی دموکراتیک هند در سال ۱۹۵۰ به تصویب رسید و از آن هنگام تاکنون، بی هرگونه تغییر اساسی، با موفقیت اجرا شده است. هر چند در سراسر این دوران، دموکراسی نماد حکومت و چارچوب سیاستها بوده، ولی همواره بحثهایی نیز درباره آن جریان داشته است.

برخی از اندیشمندان سیاسی هند بر آنند که الگوی وست مینیستر از سوی شمار زیادی از پژوهشگران و تحلیل گران هندی بعنوان هدف غایی و نهایی حکومت مورد توجه قرار نگرفته است. دموکراسی پارلمانی نیز تنها به گونه يك ابزار سازش برای گذشتن از يك دوره انتقالی پذیرفته شده است؛ شمار زیادی از هندبها خواهان آنند که نظام سیاسی دموکراتیک این کشور از سطح کنونی فراتر رود به گونه ای که هم دموکراتیک تر شود و هم

## ● نکته چشمگیری که

موجب مباحثات دموکراسی هند است، این است که در سراسر دوران پس از استقلال، میانگین شرکت کنندگان در انتخابات بیش از ۶۰ درصد بوده که بالاتر از ارقام مربوط به دموکراسی های غربی است. همچنین، گفتنی است که برخلاف غرب، طبقات پایین جامعه همواره بیش از طبقات بالا و میانی در انتخابات شرکت کرده اند، و این، نشان دهنده اعتقاد پابرجای آنها به اثر گذار بودن حضورشان در صحنه است.

مشارکت سیاسی در آن بیش از اندازهٔ کنونی باشد. اینان معتقدند که باید نارسایی‌های نظام سیاسی پارلمانی و نمایندگی را از میان برداشت و به نظامی فراتر از الگوی وست‌مینستر اندیشید. شماری از آنان ساختارها و زیربنای دموکراتیک را به چالش فرامی‌خوانند و برای آن‌گونه‌های جایگزین پیشنهاد می‌کنند؛ در حالی که دیگران بر لزوم برخی اصلاحات در درون نظام پارلمانی هند انگشت می‌گذارند.

یکی از نخستین کسانی که انتقادهای تند و در عین حال منطقی نسبت به دموکراسی غربی ابراز کرد، مهاتما گاندی بنیانگذار فقید جمهوری هند بود. او می‌گفت دموکراسی غربی نسخهٔ رقیق شدهٔ فاشیسم است و تنها تفاوت این دو نظام سیاسی این است که فاشیسم بر عکس دموکراسی، برنامه‌ای منظم و فراگیر برای خشونت دارد، در حالی که دموکراسی از پشتیبانی مردمی برخوردار است و توده‌های مردم بر این پندارند که در دولت خود صاحب صدایی (حقی) هستند.

شماری از اندیشمندان سیاسی هند در ارزیابی عملکرد دموکراسی در کشورشان این نکته را مطرح می‌کنند که در گذر سده‌ها، بخش بزرگی از ملت هند در سایهٔ تبعیضات اجتماعی حاکم بر جامعه و وجود نظام کاستی و طبقاتی از حقوق اجتماعی خود بی‌بهره گذاشته شده‌اند. این تبعیضات به اندازه‌ای بوده که در دوران کنونی نیز برخی آثار آن برجا مانده است؛ به گونه‌ای که حتی انکار می‌شود که صاحب حق هستند، چه رسد به اینکه به دموکراسی پارلمانی بیندیشند و بر پایه آن عمل کنند. به همین سبب است که مردم عادی نشسته‌اند تا کسی به جای آنان بیندیشد و تصمیم بگیرد.

## ۷- بخش بندی ایالت‌های هند بر پایه

### کارکرد دموکراسی:

شناخته شده‌ترین تعریف دموکراسی «حکومت مردم بر مردم» است. این گونه حکومت، شاید گونه‌ای آرمانی باشد که تحقق آن در کشور پهناوری مانند هند با گوناگونی نژادی، فرهنگی،

مذهبی، زبانی و قومی مردمانش دشوار جلوه کند. این گونه حکومت کمابیش به توازن قدرت طبقات در یک جامعه و سرشت و ساختار دولت بستگی پیدا می‌کند. همهٔ ایالت‌های هند از دید قانونی و رسمی دارای نظام سیاسی دموکراتیک هستند؛ اما در جهان واقعی، تفاوت‌هایی چشمگیر میان ساختار سیاسی ایالت‌ها وجود دارد.

اگر توازن قدرت طبقات را معیار دموکراسی در هند بدانیم، به این نتیجه خواهیم رسید که ایالت‌های آن کشور در زمینهٔ جوهرهٔ دموکراسی تفاوت‌های بنیادین دارند. رژیم‌های سیاسی ایالت‌ها، بر پایهٔ سطح مشارکت سیاسی طبقات پایین اجتماع و تفاوت سیستم‌های حزبی از همدیگر جدا می‌شوند. بر سرهم، رژیم‌های حاکم بر ایالت‌ها را می‌توان چنین بخش بندی کرد:

۱- در ایالت‌هایی که طبقات بالای اجتماع مسلط هستند، حزب کنگره در چارچوب یک نظام دو حزبی نیرومند، حاکم باقی مانده است (سلطهٔ سنتی به جای سیاست سازش با طبقات پایین اجتماع).

سه ایالت مادیاپرادش، اوریسا و راجستان در این گروه جای دارند.

۲- در ایالت‌هایی که سلطهٔ سنتی طبقات بالا از سوی طبقات میانی به چالش کشیده شده است، پشتیبانی از حزب کنگره به سبب رقابت‌های ناپایدار حزبی، مخدوش شده است (سلطهٔ سنتی و سیاست سازش با طبقات پایین ناموفق بوده است). وضع در دو ایالت مهم و پر جمعیت بیهار و اوتارپرادش چنین است.

۳- در ایالت‌هایی که طبقات میانی، دست بالا را دارند، حزب کنگره با چالش جدی روبرو است ولی یکسره از صحنه بیرون نرفته است (سیاست سازش با طبقات پایین ادامه دارد).

این وضع در ایالت‌های ماهاراشترا و کارناتاکا به خوبی و در ایالت گجرات تا اندازه‌ای به چشم می‌خورد.

ایالت‌های آندراپرادش، گجرات، کارناتاکا، ماهاراشترا، و پنجاب در این گروه جای می‌گیرند.

۴- ایالت‌هایی چون کرالا، تامیل نادو و بنگال غربی که در آنها طبقات پایین اجتماع و کاستها سخت در حال سربر آوردن در صحنهٔ سیاسی‌اند.

● فعالیت‌های حزبی در هند به پیش از استقلال کشور بازمی‌گردد. برای نمونه، حزب کنگره در سال ۱۸۸۵ برپا شد. هر چند بنیانگذار حزب کنگره یک انگلیسی به نام آلن (در دوران استعمار و فرمانروایی کمپانی هند شرقی) بود، ولی این حزب بعدها با تغییر دادن راهبرد خود، به عنوان یک حزب ضد استعماری توانست نقش ممتازی در استقلال هند بازی کند.

● از نخستین کسانی که انتقادهای تند و درعین حال منطقی نسبت به دموکراسی غربی ابراز کرد، مهاتما گاندی بنیانگذار فقید جمهوری هند بود. او می گفت دموکراسی غربی نسخه رقیق شده فاشیسم است و تنها تفاوت این دو نظام سیاسی این است که فاشیسم برعکس دموکراسی، برنامه ای منظم و فراگیر برای خشونت دارد، در حالی که دموکراسی از پشتیبانی مردمی برخوردار است و توده های مردم بر این پندارند که در دولت خود صاحب صدایی (حقی) هستند.

thors Press, 2000)

3. Mitra K. Subratu and V.B. Singh, **Democracy and Social Change in India, a Cross-Sectional Analysis of the National Electorate** (New Delhi, Sage Publications, 1999)

4. Chari P.R., **India towards Millennium** (New Delhi, Replika Press, 1998)

5. Dr. Alexander P.C., **India in the New Millennium** (Mumbai, Somaiya Publication, 2001)

6. Vohra Rajesh and Suhas Palshikar, **Indian Democracy, Meaning and Practices** (New Delhi Sage Publications, London Thousand Oaks, 2004)

7. Corbridge, Stuart and Harriss, John' **Re-inventive India, Liberalization, Hindu Nationalism and Popular Democracy** (London, Polity Press, 2000)

8. Le Duc Lawrence, Richard G. Niemi and Pippa Norris, **Comparong Democracies 2, New Challenges in the Study of Elections and Voting** (London, Thousand Oaks, and New Delhi Sage Publications, 2002)

گفتنی است که ایالت‌هایی که طبقات پایین در آنها به گونه سیاسی فعال شده‌اند، از ایالت‌هایی هستند که بیشترین توفیق را در کاهش دادن فقر داشته‌اند.

## منابع

۱. شیخ عطار، علیرضا، «دین و سیاست: مورد هند» (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱)

۲. کتاب سبز هند (تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹)

۳. جاندرگویا، رامنا، «سیر دموکراسی در هند»، ایران، سه‌شنبه ۲۴ آذر ۱۳۸۳، ص ۱۵

۴. محمدی، محمد علی، «درسهایی از هند»، ایران، چهارشنبه ۱۳ اسفند ۱۳۸۲، ص ۱۸

1. Takur Ramesh, **The Government and Politics of India** (London, Macmillan Press, 1995)

2. Prof. Bahadur Kalim, and Dr. Chakra Varty S.R. **Contemporary India** (New Delhi, Au-

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی